

گزارشی از جامعه ایران عصر ناصرالدین شاه

از خلال سفرنامه

کنت دو گوینو

○ سوسن ابراهیمی

○ سفرنامه کنت دو گوینو (سه سال در آسیا) ۱۸۵۵-۱۸۵۸

○ تالیف: کنت دو گوینو

○ ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی

○ ناشر: کتابسرا، چاپ اول، ۱۳۶۷

ناوبری نژادها، فرانسویان را مردمی متفرعن و از خود راضی خوانده که حاصل یک روز تمام زحمت خود را در ساعتی از دست می‌دهند از این جهت است که در آلمان به نام وی انستیتوها ایجاد کرده و کتاب‌نویس‌ها و فردریک نیچه، دانشمند آلمانی سخت تحت تاثیر افکار گوینو بوده اما فرانسویان خوش ندارند از او یاد کنند»^۲.

آنچه را که دکتر نوائی از کتاب سه سال در ایران گوینو بهره گرفته و در کتابش به آن پرداخته است دیدگاه‌های گوینو درباره تلاش کارگر ایرانی و مقایسه او با کارگر اروپایی و رواج رشوه خواری در ایران و عدم موفقیت امریکبدر براندازی و نابودی این شیوه ناپسند است.^۳

سفرنامه کنت دو گوینو از دو بخش تشکیل شده، بخش اول شامل یازده فصل و بخش دوم شامل هفت فصل است. مجموعه مطالب این دو بخش در هیجده فصل و در چهارصد و چهل و هفت صفحه به فارسی ترجمه شده است. گوینو در فصل‌های اول تا ششم به شرح مسافرت خود در نواحی مختلف آسیا و حتی قسمت‌هایی از آفریقا پرداخته و از مناظر و دیدنی‌های: مالت - اسکندریه، قاهره - سوئز، ویکتوریا، جده، عدن و مسقط سخن گفته است. (صص ۱۳-۱۱۱)

فصل هفتم شامل خاطراتش از بوشهر و فصل هشتم دربرگیرنده دیدنی‌های مناطق بوشهر تا شیراز

درمورد سفرنامه کنت دو گوینو، زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب می‌نویسد: از مآخذ مفید در باب تاریخ ایران در این ایام - عهد ناصری - کتاب کنت دو گوینو فرانسوی است به نام سه سال در آسیا که مخصوصاً از جهت تاریخ بابیه مرجع مهمی است.^۱ مترجم کتاب براظهار نظرهای گوینو در دیباچه کتاب ایراد وارد کرده بر این اعتقاد است که «گوینو طی ماموریت‌های دوگانه خود در ایران (حفظ روابط بین ایران و فرانسه - دنباله روی از سیاست بریتانیا) همیشه از سیاست انگلیس پشتیبانی و سخنان دیپلمات‌های انگلیسی را تکرار می‌کرد.» (ص ۲) در حالی که نظر مورخ معاصر دکتر عبدالحسین

زیر دکان عطاری و مسقط فروشی در بازار، دوره ناصری



نوائی برخلاف دیدگاه مترجم می‌باشد. به عقیده دکتر نوائی: «گوینو محقق منصف است. او برخلاف دیگر همقطاران و خواجه‌تاشان خویش به ایران و فرهنگ ژرف و دیرین آن به چشم اعجاب و تحسین می‌نگریست. از آن گذشته وی مردی دانشمند و محقق نستوه بود و اهل قلم».^۲

مترجم کتاب و دکتر نوائی هر یک در کتاب خویش به معرفی کامل کنت دو گوینو پرداخته‌اند. ولی نکته‌ای جالب در زندگی گوینو مورد توجه مترجم سفرنامه و دکتر نوائی قرار گرفته که به جهت اهمیت از قول دکتر نوائی روایت می‌شود: «گوینو آن قدر که در آلمان وجودی محترم و مغتنم شمرده می‌شود در کشور فرانسه محبوب و مطلوب نیست چه همچنان که گذشت وی در رساله

است. در فصل نهم مطالبی از نواحی محل عبور بین شیراز تا اصفهان گزارش شده است.

گویینو از حضور جماعت یهودی در شهر کاشان سخن گفته و نوشته است: کلیه اهالی کاشان از جمله یهودیان به پیشواز ما آمدند. (ص ۲۲۸) از این نوشته بر می آید در کاشان که یکی از شهرهای مقدس ایران به شمار می رفته در دوره ناصری گروهی یهودی سکونت داشته اند.

گویینو که صفحاتی از کتاب خود را به شرح دوره کودکی و بالندگی امیر کبیر و اقدامات او اختصاص داده درباره مخالفت هایی که با اصلاحات امیر کبیر صورت گرفته به داوری نشست و می نویسد: دیری نگذشت که امیر خان نظام - امیر کبیر. مورد نفرت عموم قرار گرفت و به زودی صدای ناله و شکایت و زاری از هر سوی کشور برخاست. کارمندیانی که جلو مداخلشان - رشوه - را گرفته بود ولی حقوقشان را هم اضافه نکرده بود از گرسنگی در حال مرگ

«کنت دوگوبینو» ضمن تعریف و تمجید از کاشان، به عنوان یکی از بزرگ ترین شهرهای صنعتی ایران از مردم آن شهر به نیکی سخن گفته و آنچه را که از سوی دیگر مردمان درباره کاشانی ها در عرف رایج بوده، ذکر کرده است

بودند و شکوه و ناله می کردند. سربازانی که جیره مرتب دریافت می کردند ولی از آنان انتظار کار داریم و رفتار متین داشت به نیکی هایی که دیده بودند کمتر حساسیت نشان می دادند تا جلوگیری از عادات مذموم و ولگردی هایشان» (ص ۲۳۱)

کنت دوگوبینو ضمن تاکید بر شرافت و وطن دوستی امیر کبیر دو اقدام وی را در سرنگونی و قتل او مؤثر می داند: ۱- تکبر و غرور امیر کبیر ۲- تلاش وی در کسب حمایت دولت روسیه.

گویینو درباره رفتار امیر کبیر معتقد است: «اگر قدری خلقش را ملایم می کرد و از تکبرش می کاست اگر به خودش زحمت می داد که دلخوری های خطرناک را رفع کند علاقه دیرینه ولینعمتش به نفعش تمام می شد و به کمک رابطه خویشاوندی که با شاه داشت بی تردید همه چیز را روبراه می کرد. اما درست عکس عمل کرد. به تکبر و اقداماتی که بدون اطلاع شاه می کرد افزود.» (ص ۲۳۳).

در مورد حمایت دولت روسیه از امیر کبیر، کنت دوگوبینو بر این عقیده است: «امیر در نهایت ناشیگری به پرنس دالگوروکی، وزیر مختار روسیه متوسل شد و از وی تقاضای حمایت رسمی کرد. نامبرده نیز بدون رعایت عقل و تدبیر قزاق های نهبان سفارتش را برای حفاظت او فرستاد.» (ص ۲۳۳).

دوگوبینو در باره علت تصمیم قتل امیر از سوی ناصرالدین شاه می نویسد: «شاه در آن هنگام بیست سال داشت. از اطاعت شخصی که تحقیرش می کرد تحریک و خسته و ناراحت شده بود. از مبارزه ای که اشخاص بانفوذ هر روز تجدید می کردند و بروحیه اش اثر می گذاشت خسته شده بود.» (ص ۲۳۵)

مؤلف سفرنامه ضمن تعریف و تمجید از کاشان به عنوان یکی از بزرگترین شهرهای صنعتی ایران از مردم آن شهر به نیکی سخن گفته و آنچه را که از سوی دیگر مردمان درباره کاشانی ها در عرف رایج بوده، ذکر کرده است. کنت دوگوبینو از پایبندی ایرانیان به عقاید دینی سخن گفته و در این باره می نویسد: «ایرانیان چنان علاقه ای به امامان و قدسیین خود دارند که غنی و فقیر، مؤمن و بی ایمان اصرار دارند در جوارمقد آنان به خاک سپرده شوند. ثروتمندان اشتیاق دارند جنازه شان به کربلا فرستاده شود تا منزلگاه آخرینشان

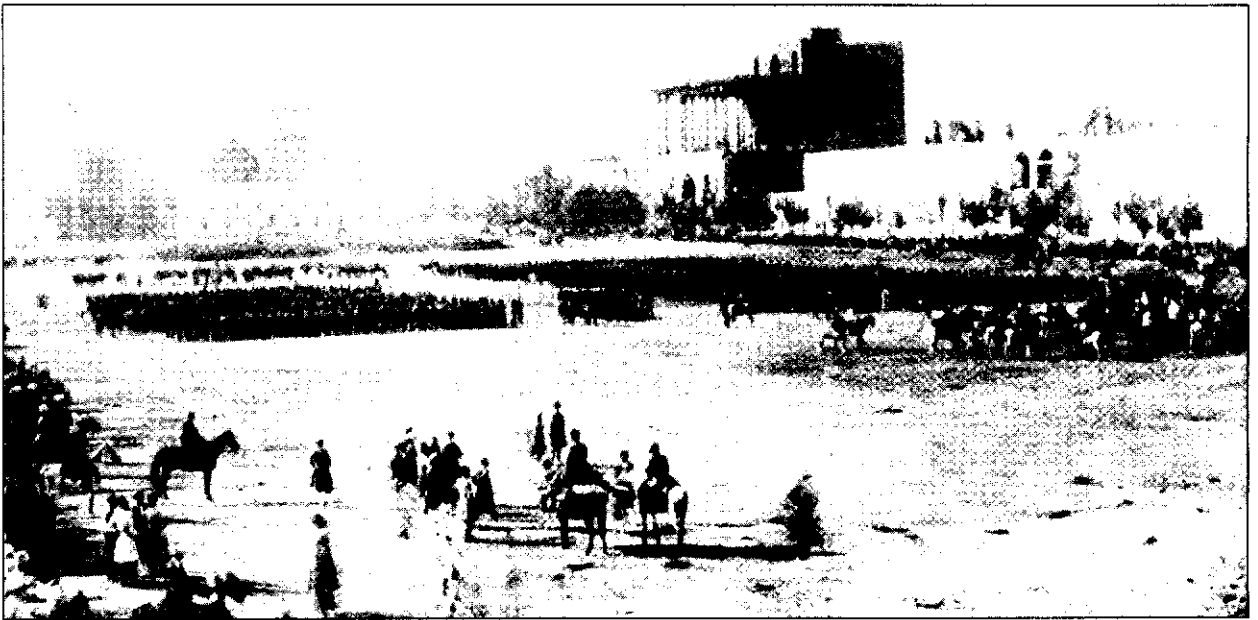
در میدان جنگ معروف امام حسین (ع) با طرفداران یزید باشد. اشخاص متوسط به مشهد رضایت می دهند تا زیر سایه امام رضا (ع) باشند و بالاخره اهالی شمال و غرب ایران که ثرویشان ناچیز است در قم در جوار حضرت فاطمه (ع) دفن می شوند. این نوعی تعلق خاطر عمومی و علاوه بر آن یک رسم است. کمتر کسی پیدامی شود که در وصیت نامه اش قید نکرده باشند که ورثه اش وی را در امکان مقدسه به خاک بسپارند.» (صص ۲۴۶-۲۴۷)

داوری کنت دوگوبینو درباره حاجی میرزا آقاسی تقریباً مشابه منابع دیگر است. وی درباره حاجی میرزا آقاسی می نویسد: «حاجی میرزا آقاسی، وزیر سابق محمد شاه، یکی از مخبطترین مغزهایی است که تاکنون در ایران دیده است.» (ص ۲۴۷)

کنت دوسرسی، وزیرمختار فرانسه در عهد محمد شاه خاطره ای از حاج میرزا آقاسی بازگو کرده است که بدون تردید می توان به داوری دوگوبینو درباره او انگشت تأیید گذارد. دوسرسی می نویسد: «هیچ امری عجیب تر از شنیدن نظریات و نقشه های این مرد مقتدر نبود. بخصوص که او آنها را با یک آرامش طبع شگفت آوری شرح و تفصیل می داد. یک روز به من گفت: از دست تقاضاهای بیجای انگلیس جگرم خون است چیزی نمانده است که سپاهی به کلکته بفرستم و ملکه ویکتوریا را دستگیر کنم (وی تصور می کرد ویکتوریا در کلکته به سر می برد) و در ملاء عام او را به دست سپاهیان بسپارم تا هر معامله ناسزا که می خواهند نسبت به او روا دارند. روزی دیگر از کشتی هایی که در خیال خود آنها را ساخته بود صحبت می داشت و می گفت که می خواهد با آنها تجارت بحری انگلیس را نابود سازد.»^۵

دوگوبینو میرزا آقاخان نوری را متصف به خصائل نیک همچون: گذشت





و مهربانی نموده و او را بنیانگذار یک رژیم بسیار معتدل در کشور دانسته ولی در ادامه سخنانش ناگزیر از ویژگی‌های دیگر او هم سخنی به میان آورده است: «تنها علاقه او که به حد مبالغه رسیده عشق به پرکردن جیب‌هایش می‌باشد. اولادش را به حد پرستش دوست دارد که البته جای ایراد نیست اما این تعصب تا آخرین فرد خانواده‌اش گسترده‌گی یافته و باعث شده که مشاغل و مقامات پر درآمد را به آنان واگذار کند» (صص ۲۵۸-۲۵۹).

این ویژگی متأسفانه در تاریخ ایران یک پدیده منحصر به فردی نبوده است. در مورد خواجه نظام الملک هم همین اشکال وجود دارد. در دوره قاجار حاج ابراهیم خان کلاتر و امین الدوله اصفهانی هم در این زمینه دست کمی از میرزا آقا خان نوری نداشته‌اند. آنها با اعزام فرزندان، دامادها و وابستگان نزدیک خویش، به سرپرستی مناطق مختلف کشور را به تیول خود در آورده و از منابع و عایدات چون عایدی از ضیاع و عقار خویش بهره می‌گرفتند. یکی از افرادی که کنت دوگوبینو از وی تعریف کرده، میرزا سعیدخان، وزیر خارجه وقت ایران است. درباره او می‌نویسد: میرزاسعید خان وزیر امور خارجه که اهل تبریز است و یکی از بهترین عربی دانان و دانشمندان به شمار می‌رود، متون عربی و قدیمی را بهتر از هر کس می‌شناسد» (ص ۲۵۹). دکتر نوایی اگرچه به آنچه که کنت دوگوبینو در معرفی میرزا سعید نگاهشته باور دارد ولی نکته‌ای بس ظریف و قابل توجه را درباره این رجل ایرانی خاطر نشان می‌کند که بسیار خواندنی است: «میرزا سعید خان مدت سی سال وزیر خارجه بوده و خطی زیبا و انشایی خوش داشت و در ادبیات عرب صاحب اطلاعاتی دقیق و عمیق بود و بر اشعار فارسی و عربی احاطه و وقوفی فراوان داشت. اما از جهان سیاست و روابط پیچیده بین‌المللی و بند و بست‌های سیاسی هیچ سر در نمی‌آورد و تا آخر هم سر درنیآورد. وقتی آدمی در مطالعه تاریخ ایران به چنین مواردی برمی‌خورد بی‌درنگ از خود می‌پرسد چگونه مردی چون میرزا سعید خان که در امور سیاسی جاهل، صرف بود و هیچ گونه خبر از جایی نداشته سی سال در راس وزارت خارجه قرار می‌گیرد؟ دکتر ژاکوب پولاک به شوخی میرزا سعید خان را به جای آنکه وزیر خارجه بگوید او را وزیر خارجه از امور خوانده است.»

کنت دوگوبینو در مورد وضعیت آموزش مردم آن دوره می‌نویسد: تمام مردم وسیله تحصیل در اختیار ندارند. بنابراین فاصله زیادی بین یک دانشمند و افراد طبقه پایین و حتی طبقه متوسط وجود دارد. (ص ۲۷۰). نامبرده در مقایسه بین ملل آسیایی و اروپایی به تفاوت‌های آن دو ملت پرداخته و درباره ایرانیان می‌نویسد: «به عقیده من ایرانیان از نوعی کنت دوگوبینو در مورد زرتشتیان ایران هم سخن گفته است. مهمترین بخش از نوشته‌هایش درباره ایشان از این قرار است. «در ایران ستایشی که

میهن‌پرستی برخوردارند که جاودانی است. یکدیگر را در داخل کشورشان دوست دارند و کشورشان را در وجود خودشان مجسم می‌بینند اما با بی تفاوتی شاهد گذار حکومت‌های گوناگون از فرزند سرشان می‌باشند بی‌آنکه فریفته هیچ یک از آنان بشوند و از این نظر می‌توان گفت به کلی عاری از میهن‌پرستی سیاسی هستند» (ص ۲۸۷).

نظر کنت دوگوبینو درباره رابطه ایرانیان و مذهب چنین است: «اهالی ایران مؤمن‌ترین مردم روی زمین به نظر می‌رسند. ممکن نیست بتوان ربع ساعت با یک ایرانی از هر طبقه درباره هر موضوعی صحبت کنید و عباراتی مانند انشاءالله، ماشاءالله، خداوند عالم، حضرت پیغمبر صلوات الله علیه و آله وسلم و عبارات مذهبی دیگر از او نشنوید. وقتی از قرآن صحبت می‌کند آن را با احترام کلام الله می‌نامد و وقتی می‌خواهد آیاتی از قرآن تلاوت کند آنها را آیات کریمه می‌نامد و اگر چند نفر اطرافش باشند هنگام ادای این کلمات باد در گلو می‌اندازد و حروف عربی را با مخرج اصلی ادا می‌کند و به طوری چشمانش را به آسمان می‌دوزد که شخص تصور می‌کند او یکی از مقدسین است. اما حقیقت غیر از این است» (ص ۲۸۹).

کنت دوگوبینو از تلاش ناصرالدین شاه برای جلب حمایت ایرانیان و کسب مشروعیت نکته جالبی را ذکر می‌کند: «در حدود یک سال پیش ناصرالدین شاه ادعا کرد که یک شمایل اصیل حضرت علی (ع) را در اختیار دارد و این شمایل را که از هند آورده‌اند به قدری اصیل است که شباهتش را نمی‌توان مورد تردید قرار داد ولذا گرانبهارترین وثیقه‌ها به شمار می‌رود و وی به خاطر احترامی که به داماد حضرت رسول و سرچشمه امامت قایل است تصمیم گرفته این شمایل مقدس را به پیکرش بیاویزد و این کار را طی مراسم رسمی که شایسته مذهب و سلطنت بود انجام داد. بدین معنی که بزرگان کشور را در روز معهود به کاخ سلطنتی تهران احضار کرد. افراد قشون نظامی به عمل آوردند و روحانیون در حالی که رؤسایشان پیشاپیش آنان قرار داشتند برای عرض تبریک به شاه و تأیید تقوای او و آویختن شمایل به گردنش شرفیاب شدند.» (صص ۲۹۶-۲۹۷).

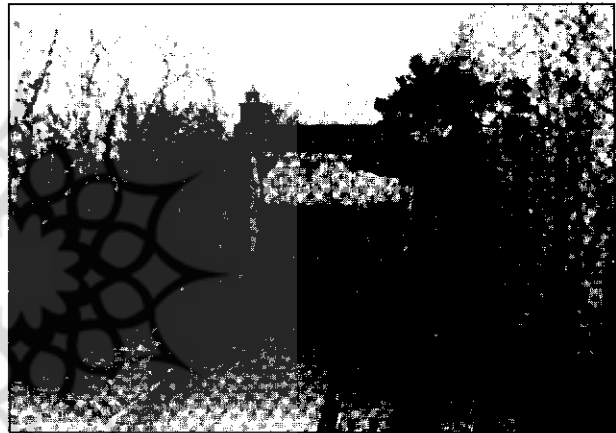
کنت دوگوبینو درباره ویژگی اخلاقی ایرانیان می‌نویسد: «ایرانیان قوه تخیل قوی دارند. و بسیار زود باورند. همچنین بسیار اهل شوخی هستند و به خصوص در مسخره کردن اشتباهات دیگران بی‌رحم هستند» (ص ۳۱۱).

می‌توان از زرتشتیان کرد از هوششان نیست بلکه از خوش قلبی آنان است. آنان اعتقاد دارند که به زودی پیامبری به نام پشوتن ظاهر خواهد شد و مجدداً به دین زرتشت رونق خواهد داد و آن را به عظمت روزهای اولیه باز خواهدگرداند» (ص ۳۴۷).

کنت دوگوبینو برخلاف عقیده نویسندگان اروپایی، شاه ایران را حاکم مطلق العنان نمی‌داند و در این باره می‌گوید: شاه ایران آن سلطان مستبدی نیست که در غرب می‌شناسند. من به این نتیجه رسیده‌ام که هیچ سلسله سلطنتی در جهان یافت نمی‌شود که موقعیت نامناسبی نظیر شاه ایران داشته باشد. ابتدا باید قوانین شرعی کشور را بررسی کرد که شاه را از نظر تئوری غیر قانونی و غاصب می‌شمارد و اطاعت از او را فقط به عنوان فرمانروای بالفعل و نه مشروع مجاز می‌داند. (۳۵۳)

دوگوبینو در معرفی وضع اجتماعی مردم در عهد ناصری به ذکر خصایص اخلاقی ایرانیان عنایت داشته و در این باره می‌نویسد: عادت به ربا خواری لگام گسیخته، قرض‌های دایمی، تدبیر نامشروع، بی اعتمادی، زرنگی‌های ماهرانه ایرانیان را به شدت سرگرم می‌کند ولی به افزایش سطح اخلاقی آنان کمک نمی‌کند. زندگی همه افراد این ملت دائماً به تحریک و دسیسه می‌گذرد. هیچ

مراسم سلام عید قربان در جلوتاک مرمز ۱۳۱۰ ه.ق، البومخانه کاخ گلستان



یک از افراد جز این درس ندارد که به هر وسیله‌ای شده از زیر بار تعهداتش شانه خالی کند. اربابان حقوق نوکرهایشان را نمی‌پردازند نوکرها نیز تا بتوانند از ارباب می‌دزدند.

دولت به کارمندان حقوق نمی‌پردازد و به جای پول به آنها قبض و حواله می‌دهد و کارمندان نیز مال دولت را می‌دزدند و رشوه می‌گیرند. سرتاپای سلسله مراتب اجتماعی آکنده از تقلب بی اندازه و بی حد و حصر است و اضافه می‌کنم که این دردی است درمان‌ناپذیر. این وضع مورد پسند همه است و هر کس به سهم خود از آن بهره‌مند می‌شود و از دردسر نجات می‌یابد. به هر کس اجازه بیکاری و بطالت را به حد وفور می‌دهد و وضعی به وجود می‌آورد که افراد زرنک را همیشه در حالت بیدار باش نگه می‌دارد و به هیچجانی عادت می‌دهد که به آسانی از دستشان خلاصی ندارند.» (ص ۳۷۱)

نوشته‌های کنت دوگوبینو درباره زندگی سربازان ایرانی بسیار خواندنی است. از لابلای این نوشته‌ها می‌توان به حالت تاسف بار و رقت‌انگیز آنان واقف شد. می‌نویسد: «زندگی سربازان تا وقتی که درپادگان بسر می‌برند بسیار قابل تحمل است اما وقتی آنان را به اردو کشی می‌برند وضعشان غم‌انگیز می‌شود. دیگر دیناری به عنوان جیره به آنان پرداخت نمی‌شود. کارپردازی در ایران وجود ندارد و به همین جهت به سربازان نه اسلحه و نه غذا می‌دهند و اغلب سربازان مجبور می‌شوند به خوردن گیاهان در راه اکتفا کنند. (ص ۳۷۵).

یکی از مورخان ایرانی مطالبی را درباره وضعیت سربازان در ایران

عصر ناصری ذکر نموده که این نوشته مکمل مطالب دوگوبینو درباره این گروه می‌باشد. هاشم محیط مافی می‌نویسد: «در زمان ناصرالدین شاه اسامی مملکت ایران شصت هزار نفر قشون بنیچه داشت آن هم تماماً تخت و گرسنه. سربازهایی که از ولایات به مرکز احضار می‌شدند در طهران ماهی هفت هزار و دهشاهی حقوق اسمی داشتند آن را هم صاحب منصب‌ها از دست سرباز و توپچی می‌گرفتند آنها هم ناچار شده در شهر مشغول کسب قصابی و هیزم‌شکنی می‌شوند به هر شخصی که یک یا دو فوج ابواب جمع می‌کرد عنوان ناتخانه می‌دادند که حقوق و جیره آنها را رئیسشان بخورد».^۲

کنت دوگوبینو ضمن اشاره به عدم توجه حکومت به اهمیت کشاورزی و تلاش برای فراهم ساختن شرایط مناسب برای جلوگیری از فرار روستائیان که می‌کوشیدند تا از زیر بار مالیات‌های سنگین راه نجاتی بجویند مطالب ارزنده‌ای را ذکر کرده است. وی می‌نویسد: «مرد روستایی پولش را در شال کمرش می‌گذارد، زنش را سوار الاغ می‌کند و گاؤ یا اسبش ائانه را حمل می‌کنند. هنگام شب عزیمت می‌کنند و صبح روز بعد هیچکس نمی‌داند که به کدام طرف رفته‌اند به ندرت اتفاق می‌افتد که اهالی ده دسته جمعی مهاجرت کنند اما فرارهای فردی زیاد است.» (ص ۳۸۲)

گوبینو که قبلاً در مورد خصایص اخلاقی و رفتارهای مردم ایران مطالب خواندنی و جالب توجه را ذکر کرده بود در فصل پنجم در ذیل عبارت خصوصیات اخلاقی و روابط اجتماعی باز هم به ویژگی‌های منحصر به فرد ایرانیان اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«مردم ایران از وفاداری سیاسی و فداکاری ناتوان هستند ولی سرشار از عشق به میهن و معتقدند هیچ وسیله‌ای برای اداره کشورشان وجود ندارد. بدینسان همه مردم بدون شرم و حیا همدیگر را غارت می‌کنند و تا هر جا که دستشان برسد از بیت المال سوءاستفاده می‌کنند و عملاً هیچگونه دستگاه اداری وجود ندارد.» (ص ۳۹۱)

دوگوبینو پس از بحث فراوان درباره ویژگی‌های اخلاقی جامعه ایرانی، به نتیجه‌گیری می‌پردازد و می‌نویسد: «در ایران هرکسی آماده است در کاری که مربوط به او نیست دخالت کند.» (ص ۴۰۱)

او در فصل هفتم که بازگشت نام گرفته و در طی این فصل خاطرات خود طی بازگشت از آسیا به اروپا را روایت می‌کند به مقایسه رفتارهای ایرانیان و اروپاییان می‌پردازد و نکته‌ای جالب و آموزنده را در پایان سفرنامه‌اش متذکر می‌شود که خواندن آن خالی از لطف نیست:

«باید اعتراف کرد که همیشه یکی از خصایل روشنفکری را که انتقاد به شیوه‌ای است که ما داریم و به کار می‌بریم آسیایی‌ها فاقد بوده‌اند. در حال حاضر انتقاد بر جوامع ما حکومت می‌کند. به روح مان شکل می‌بخشد و سرچشمه غرور و افتخار ماست.» (ص ۴۸۴)

پی نوشت‌ها:

- ۱- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۳، ص ۱۱۱.
- ۲- نوایی، عبدالحسین: ایران و جهان، جلد دوم، نشر هما، چاپ اول ۱۳۶۹، ص ۴۱۳.
- ۳- نوایی، پیشین، ص ۴۳۲.
- ۴- نوایی، پیشین، صص ۴۳۳-۴۳۴.
- ۵- شمیم، علی اصغر: ایران در دوره سلطنت قاجار، نشر افکار، چاپ پنجم ۱۳۷۴، صص ۱۳۶-۱۳۷.
- ۶- نوایی، عبدالحسین، پیشین، صص ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۳۷.
- ۷- محیط مافی، هاشم: مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی - جواد جان فدا، انتشارات فردوسی، چاپ اول ۱۳۶۳، ص ۴۱.